

فلسوف سترگ
محمد علی حزین لاهیجی
(۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ قمری)

نویسنده: استاد ناصر باقری بیدهندی

انتشار: وبگاه رسمی استاد ناصر باقری بیدهندی

www.baqeribidhendi.ir

منبع: فرهیختگان تمدن شیعه nbo.ir

شیخ محمدعلی حزین [۱] لاهیجی، فرزند ابوطالب زاهد گیلانی، فرزانه ای دانشمند مورخی ژرفکاو و نکته پرداز، منجم، متکلم و فیلسوفی سترگ، عالمی کامل، شاعری زبردست، نویسنده ای چیره دست و پرکار و پر اثر و پر درد، متفکری سیاستمدار، عالمی جهانگرد بود.

پدر دانشمندش شیخ ابوطالب بن عبدالله نیز از عالمان دین بود. حزین در تاریخ خود تحت عنوان مجمل احوال والد مرحوم شرح حالش را نگاشته است. از جمله گفته است: «در بیست سالگی، بعد از تحصیل بسیاری از مطالب علمیه نزد مولانا فاضل ملاحسن شیخ الاسلام گیلانی، به شوق دیدار فضلی عراق (عراق عجم) به اصفهان آمده. در مدرس استادالعلماء آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹ قمری)، علیه الرحمه، به استفاده، مشغول و فنون ریاضیه را در خدمت بطلمیوس زمان، ملا محمد رفیع که به رفیعی یزدی مشهور است، تکمیل نموده، جماعتی کثیره از اصحاب تحصیل به برکت ایشان به مراتب عالییه رسیدند. و در کتابخانه ایشان که زیاده از پنج هزار مجلد بود، هیچ کتاب علمی به نظر در نیامد که از اول تا به آخر به تصحیح ایشان درنیامده باشد. و اکثر محشی به خط ایشان بود، و قریب به هفتاد مجلد را که از آن جمله تفسیر بیضاوی و قاموس اللغه و شرح لمعه و تمام تهذیب حدیث و امثال ذلک بود، به قلم خود کتابت نموده بود و در هیچ فن از فنون علوم نبود که مهارتش به کمال نباشد...» [۲] او می افزاید، در سال ۱۱۲۷ (هجری قمری) در اصفهان وفات یافت و در مزار بابا رکن الدین جنب تربت مولانا حسن گیلانی دفن شد. [۳]

حزین در رثاء پدر اشعاری سروده که در تاریخ حزین ص ۹ ثبت است. همچنین او در دیوان خود قصیده ای ۵۶ بیتی در مدح پدر دارد که در این جا قسمتی از آن ذکر می شود:

عطارد مرا گشته آموزگار	به توصیف علامه روزگار
رسد بند گردون نیلوفری	خدیو سریر بلند اختری

یتیمان علم و هنر را پدر	مرا والد عقل کل را پسر
به دل وارث حکمت ادریس را	به جان رهگرا اوج تقدیس را
پناه ضعیف و یتیمان شهر	مسیحا دم خسته حالان دهر
چو نیسان بارنده در مرحمت	چو خورشید تابنده در مکرمات
براورنگ عزت سلیمان شکوه	در اقلیم رفعت فرازنده کوه
برون کرد از ملک و ملت خلل	درستی ازو یافت علم و عمل
ز جهدش مهذب اصول و فروع	عدیل ملک در سجود و رکوع
پی حفظ دین نبی جوشن است	ز خطش سواد جهان روشن است
سر خامه اش تا ثریا رسید	مقام کلامش به اعلا رسید
حکیم خرد پرور جهل گاه	حقایق شناس معارف پناه
نگنجد درین ظرف دریای ژرف	نوشتم به وصفش اگر یک دو حرف
تو از ابله‌ی بذله می دانیش	عبادت شمارم ثنا خوانیش
ز فرماندهان عرب یا عجم	نرانده به مدح بزرگان قلم
که هر کس بگوید خوشا حال او	مگر مدح پیغمبر و آل او
ادا می کنم حق ایمان خود	کنم گر مدیح نیاکان خود
امیدم که حق باشدش مشتری	پدر را کنم گر ستایش گری

خانواده ی او، همه اهل فضیلت و علم بوده اند. او به شانزده واسطه به عارف قرن ششم
 شیخ زاهد گیلانی نسب می رساند. [۴]

تولد

حزین به سال ۱۱۰۳ [۵] هجری ۱۶۹۲ م در دارالعلم شرق، اصفهان به دنیا دیده گشود و در سال ۱۱۸۱ هجری / ۱۷۷۹ م رخت از جهان فرو بست. سراسر عمر با برکت حزین صرف فعالیت های علمی و ادبی و خدمت به توده ی مردم شد.

حزین از نخستین علمایی است که به نوشتن زندگانی خود دست زد و زوایای مختلف حیات پرماجرایی خویش را برای دیگران مصوّر ساخت.

سرگذشت حزین آکنده از حوادث تلخ و شیرین و عبرت انگیز است؛ زیرا، در زمانی که او در آن می زیست، صفویان در ضعف و سستی و در ورطه ی سقوط بودند. با سقوط صفویان که به دست محمود افغان صورت گرفت، مردم ایران بیش از پیش دچار ناامنی و تهاجمات بیگانگان و انواع فشارها قرار گرفتند. حزین در تاریخ خویش تصویر کامل و دقیقی از رخدادهای آن عصر به دست می دهد و خواننده را با خود به اطراف و اکناف ایران می برد و از ستم های افغانه و حکام محلی ایران دم می زند و رنج های خود و مردم ایران را بازگو می کند. آن گاه از رهسپار شدنش به هند و حوادث تلخ آن سامان سخن می گوید.

راستی اگر این یادداشت ها نبود، اطلاعات ما، در خصوص وقایع پایانی ادوار حیات صفویه، به نیمی از آن چه که امروز هست، کاهش می یافت. حزین با نگارش خاطرات و ثبت وقایع اجتماعی و سیاسی عصر خود، منتی بزرگ بر تاریخ ایران و فرهیختگان ما دارد.

سفرها و حوادث زندگی

حزین پس از درگذشت پدر، زادگاه خود اصفهان را به قصد شیراز ترک می گوید و پس از چندی دیگر بار به اصفهان باز می گردد. و در سال ۱۱۳۴ نیز چند نوبت از اصفهان خارج شده و بار دیگر بازگشته است. در سال ۱۱۳۵ محاصره ی افغان ها را شکسته و با لباس مبدل در چهره ی روستاییان و در حال بیماری اصفهان را ترک می گوید.

ابتداء به خوانسار، سپس به خرم آباد کوچ می کند و در محل امنی پناه می گیرد. مدت ها در شهرهای مختلف ایران آواره است. چون با شاه طهماسب دوم صفوی ارتباط داشته، از سطوت نادر در امان نبوده. به سال ۱۱۴۵ با کشتی از طریق بندرعباس به جدّه هجرت می کند و به زیارت خانه خدا موفق می شود. پس از اتمام فریضه ی حج به بحرین سفر می کند و از آن جا دیگر بار به بندرعباس بازمی گردد و برهه ای از ایام را در آن جا و لار و جهرم سپری می کند تا سر از کرمان درمی آورد. پس از مدتی به شوق زیارت مولای متقیان علی، علیه السلام، به نجف اشرف سفر می کند و مدت سه سال در آن جا می ماند. پس از آن از کربلا و بغداد دیدن می کند و به ایران باز می گردد.

در ۱۱۴۶ بندرعباس را به قصد سند و ملتان ترک می گوید و مدت دو سال را در قریه ای نزدیک آن می ماند. سپس به شهر لاهور می رود و تصمیم می گیرد بار دیگر به وطن اسلامی ایران باز گردد. ۱۱۵۲ نادر به هندوستان سفر می کند. حزین از بیم او، در پناهگاه امنی مخفی می شود تا از نادرشاه به او گزند نرسد.

به سال ۱۱۵۴ تاریخ و سفرنامه خود را در شهر جهان آباد (دهلی) می نویسد و در ۱۱۶۱ از اقامت طولانی در دهلی و بدی آب و هوا به ستوه آمده، [۶] آن منطقه را ترک و به اکبرآباد رفته و سپس در بنارس هندوستان اقامت می گزیند. ۱۹ سال هم در بنارس زندگی می کند و مورد احترام و بزرگداشت همه مردم و اعیان بوده است اما او بسیاری از امیران و شاعران و صاحبان زر و زور را هجو نمود تا در سن ۷۷ سالگی در سال ۱۱۸۰ [۷] زندگی را بدرود گفته و در باغی که خود احداث کرده بود آرامش جاودانه می یابد.

استادان

۱ - ملک حسین قاری اصفهانی (در علم تجوید)

۲ - شیخ محمد خلیل الله طالقانی [۸]

- ۳ - شیخ بهاء الدین گیلانی
- ۴ - مولانا محمد صادق اردستانی
- ۵ - آقا هادی بن ملا محمد صالح مازندرانی، شارح اصول کافی
- ۶ - مرحوم میرزا کمال الدین محمد فسائی، داماد محمد تقی مجلسی
- ۷ - فاضل محدث حاجی محمد طاهر اصفهانی
- ۸ - قدوة الحكماء شیخ عنایت الله گیلانی
- ۹ - سید المتبحرین میر سید حسین طالقانی
- ۱۰ - فاضل مدقق میرزا محمد طاهر خلف میرزا ابوالحسن قاینی که در ریاضی نادره زمان بود.
- ۱۱ - استادالعلماء شاه محمد شیرازی [۹]
- ۱۲ - جامع المعقول و المنقول آخوند مسیحای فسوی شاگرد استاد الكل آقا حسین خوانساری [۱۰]
- ۱۳ - لطیف الله شیرازی، تلمیذ فاضل محدث ملا محسن کاشانی [۱۱]
- ۱۴ - محمد باقر مشهور به صوفی
- ۱۵ - ملا عبدالکریم اردکانی
- ۱۶ - سید قوام الدین قزوینی [۱۲]
- علاوه بر بی دین ها به طوری که خود او گفته «از هر فرقه هر جا کسی می یافته که ربطی به مذهب خود داشته، با او صحبت می کرده و استعمال مقاصد و سخنانش می نمود». او می افزاید: «در این وادی، مرا با ارباب آرای مختلف، آن مقدار گفت و شنود روی داده که خدا داند». [۱۳]

تنی چند از شاگردان

حزین در مقاطع مختلف زندگانی به تدریس بسیاری از دانش های رایج زمان خود پرداخته است، اما اطلاعات ما درباره ی دست پروردگان حزین محدود است و جز افراد زیر نام شان در تاریخ ثبت نشده است:

۱ - شیخ آیت الله متخلص به ثنا که تخلص خود را از حزین گرفته است.

۲ - خواجه یحیی متخلص به خرد.

۳ - واله داغستانی.

شماری از معاشران

حزین با گروهی معاشر بوده است که عبارت اند از:

۱ - میرزا عبدالله افندی اصفهانی

۲ - میر محمد صالح شیخ الاسلام اصفهان

۳ - سید عالم میر محمد باقر اصفهانی فاضل هندی

۴ - میرزا داوود (متولی آستان قدس رضوی)

۵ - سید رضا حسنی

۶ - حمزه گیلانی

۷ - محمدرضا مجلسی،

۸ - محمدتقی طبسی [۱۴]

سیاهه آثار حزین

آثار علمی وی که تا ابد بر جبین تاریخ دانش و فرهنگ خواهد درخشید، بسیارند. از

این آثار گران بها همین قدر توان فهمید که او، دریای علم و نابغه ای زبردست در تمام رشته های علمی بوده است. فهرست کامل کتاب هایش را ملاحظه کنید:

- ۱ - انیس الفؤاد فی حقیقه الاجتهاد
- ۲ - الانساب
- ۳ - اخبار صاحب بن عباد طالقانی
- ۴ - اخبار ابی الطیب المتنبی
- ۵ - احمد بن الحسین بن عبدالصمد جعفی کوفی و بعضی از اشعار برجسته ی او
- ۶ - اخبار ابوتمام طائی حبیب بن اوس و قسمتی از اشعارش
- ۷ - اخبار شیخ صفی الدین حلی و نوادر اشعار وی
- ۸ - اخبار محقق طوسی، قدس الله روحه
- ۹ - اخبار جد سعید خود شیخ ابراهیم معروف به زاهد گیلانی، قدس سره
- ۱۰ - بهجة الأقران
- ۱۱ - تجوید القرآن
- ۱۲ - تحقیق الازل و الابد و السرمد
- ۱۳ - التعليقات فی الطبیعی و الالهی
- ۱۴ - التعليقات علی الفصوص، حواشی بر فصوص معلم ثانی ابونصر فارابی
- ۱۵ - تعليقات بر غوامض کتاب مجسطی
- ۱۶ - تعليقات بر مقامات العارفين از شرح اشارات ابن سینا
- ۱۷ - تعليقات بر کتاب نجات بوعلی سینا
- ۱۸ - تعليقات بر تذکره ابن رشد
- ۱۹ - تعلیقه بر شرح مقاصد تفتازانی
- ۲۰ - التوجیه بقول قدماء المجوس فی المبدأ
- ۲۱ - تفسیر سوره ی (هل أتى على الانسان)
- ۲۲ - تفسیر سوره ی حمد
- ۲۳ - جامع نفسی
- ۲۴ - الجوابات عن مسائل سأل عنها الشيخ احمد بن محمد عمانی

- ۲۵ - الجواب عن المسائل الطبرية
- ۲۶ - جلاء الافهام در عمل مساحت
- ۲۷ - جوامع الآداب
- ۲۸ - جوامع الكلم
- ۲۹ - حدوث العالم. صاحب ذریعه نسخه‌ای از آن را در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه مرحوم صدر مشاهده کرده است. (نک: ذریعه ۶ / ۲۹۴)
- ۳۰ - حیات الاخوان
- ۳۱ - خلق الاعمال
- ۳۲ - خلاصه المنطق
- ۳۳ - خواص بعضی از سور و آیات. آن را در نجف اشرف نوشته است.
- ۳۴ - دعائم الدین
- ۳۵ - الدعوات الصالحات و اسماء الله الحسنی. آن را در نجف اشرف نوشته است.
- ۳۶ - الديباج
- ۳۷ - الذخر والسعادة فی العبادة
- ۳۸ - الرد على التناسخية
- ۳۹ - الرموز الكشفية
- ۴۰ - رمح المصقول فی الطعن على قواعد الاصول (نک: ذریعه، ۱۱ / ۲۴۸)
- ۴۱ - روايح الجنان
- ۴۲ - راح الارواح
- ۴۳ - سيف الله المسلول على اعداء آل الرسول
- ۴۴ - شرح عيون اخبار الرضا
- ۴۵ - شرح رساله شيخ شهاب الدين يحيى سهرودي مقتول
- ۴۶ - شرح رساله حكيم عيسى بن زرعه
- ۴۷ - شجرة الطور در شرح آيه نور. آن را در مشهد نوشته است.
- ۴۸ - شرح قصيده ممدوده خود. آن را در مکه ی مبارک سروده و در شهر لحسا شرح کرده است.
- ۴۹ - الصراط السوي في غواية البغوي

- ۵۰ - الطول والعرض
- ۵۱ - عبدالله بديل بن ورقاء الخزاعي الازدي، رضى الله عنه، و سرگذشت او
- ۵۲ - كتاب العين
- ۵۳ - فتح الابواب
- ۵۴ - الفصول البليغة
- ۵۵ - الفضائل فى احياء سنن الاوائل
- ۵۶ - فوائد الطب. بيست فصل است.
- ۵۷ - الفصح
- ۵۸ - القوائد النعتية (در مدح ائمه ي اطهار، عليهم السلام). با سوانح عمرى ايشان چاپ شده است. (نک: ذريعه، ۸۹/۱۷)
- ۵۹ - كنه المرام كشف القناء فى تحقيق الغناء
- ۶۰ - كشف التلبيس فى هدم اساس ابليس (رد قياس است)
- ۶۱ - كذ القلم فى حل شبهه جذر الاصم
- ۶۲ - اللمع فى ازهاق البدع
- ۶۳ - لوامع المشرقة در تحقيق واحد و وحدت
- ۶۴ - ما جرى به القلم
- ۶۵ - مختصر البديع و العروض و القوافى
- ۶۶ - معراج النفس
- ۶۷ - المقلّة فى بيان النطقه
- ۶۸ - المشاهد العلية
- ۶۹ - كتاب معنى صمد و تفسير سوره ي توحيد (قل هو الله)
- ۷۰ - المدارج العلية
- ۷۱ - المراصد فى الرايح والكاسد
- ۷۲ - النصره
- ۷۳ - نهج الطلب فى استخراج ضلع المكعب و استكشاف معضلات الهندسة
- ۷۴ - نوادر العرب و اخبارهم
- ۷۵ - نوادر ابوالحسين مهيار ديلى و قسمتى از اشعار آبدار او

- ۷۶ - هداية الامم فى الحدوث و القدم
 ۷۷ - هشام بن حكم و مناظراتش
 ۷۸ - وديعة البدايع

کتاب های فارسی ایشان

- ۱ - ابطال تناسخ
 ۲ - اصول المنطق
 ۳ - احکام شک و سهو در نماز
 ۴ - ابطال جبر و تفویض
 ۵ - الاسنى در تحقیق قوله تعالى (ثم دنى فتدلى فكان قاب قوسين أو أدنى)
 ۶ - ادعیه و ادویه
 ۷ - آداب عزلت و خلوت
 ۸ - آداب معاشرت
 ۹ - الاغاثه. حزين با ولای خالص و با سرپنجه برهان در این کتاب به دفاع از حریم ولایت پرداخته و بحث امامت را در نهایت اختصار در این کتاب آورده است. الحق که او در این اثر خدمتی بسزا و زحمتی بسیار کشیده که شایان تحسین و تقدیر است، خدایش پاداش دهد و بیامرزد.
 ۱۰ - بشارة النبوة. مؤلف در این کتاب از تورات و انجیل و صحیفه یوشع و کتاب اشعیا که دلالت بر نبوت پیغمبر ما، صلی الله علیه وآله، دارد، گواه ها آورده است.
 ۱۱ - کتاب بعض خطب امیرالمؤمنین، علیه السلام
 ۱۲ - تجريد النفس. نسخه ای از آن در کتابخانه ی ملا محمد علی خوانساری در نجف

اشرف وجود داشته است. (نک: ذریعه، ۳۵۶/۲)

۱۳ - ترجمه منطق تجرید

۱۴ - ترجمه کتاب تحریر اقلیدس در هندسه با توضیح بیش تر بعضی عبارات مشکل آن از آثار خواجه نصیرالدین طوسی.

۱۵ - ترجمه رساله ی اخیر شیخ رئیس

۱۶ - ترجمه رساله موسوم به صحیفه در علم اسطرلاب از آثار شیخ بهائی با توضیحی بیش تر

۱۷ - ترجمه نوادر محمد بن ابی عمیر ازدی و سیره و سرگذشت او

۱۸ - تقسیم اسماء و معانی آن

۱۹ - ترجمه دعای مشلول

۲۰ - ترجمه دعای صباح

۲۱ - تذکره المعاصرین. هم در اصفهان و هم در لکنهو به چاپ رسیده است.

حزین در این اثر که به کوشش محمد باقر الفت چاپ شده است، به اغلب اشعار معاصران خود انتقادات تندی دارد و از میان انبوه شعرا، فقط صد تن را لایق ذکر دانسته است. تاریخ ولادت خود او مبدأ قرار گرفته است و در سال ۱۱۶۵ نه روزه تألیف شده است. با این که این کتاب بارها چاپ شده است، اما غلط های فاحش و غریب کتاب رفع نشده بود. اخیرا خانم معصومه سالک با استفاده از دو نسخه متعلق به کتابخانه ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (شماره میکروفیلم ۳۷۳۷) و نسخه ی متعلق به موزه ی ملی پاکستان، به تصحیح و نشر مجدد آن پرداخته است. کتاب یاد شده یک مقدمه در دو فرقه دارد: فرقه ی نخست اختصاص به عالمان معاصر او دارد که با نام صدرالدین سید علیخان مدنی بن سید نظام الدین احمد حسینی آغاز می شود، و حاوی بیست

ترجمه و شرح حال است. فرقه ی دوم اختصاص به شعرای معاصرش دارد که با شرح حال میرزا محمد طاهر قزوینی آغاز شده است. در این بخش ۷۱ شاعر معرفی شده است.

۲۲ - ترجمه ی دعای جوشن صغیر

۲۳ - تفسیر سوره ی حشر

۲۴ - التعریف فی حصر انواع القسمة

۲۵ - تاریخ حزین. اوضاع زمان حیات او یعنی اواخر صفویه و فتنه ی افغان و سلطنت نادرشاه واحوال جمعی از بزرگان است. چاپ سوم در سال ۱۲۲۲ از روی انتشارات کتابفروشی تأیید اصفهان منتشر شده است. متن فارسی و ترجمه ی انگلیسی این کتاب را اف. سی. بلفور در سال ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱ منتشر کرده است.

۲۶ - تذکره العاشقین

۲۷ - ترجمه رساله پدر علامه اش در بیان آیه شریف: قل الروح من امر ربی

۲۸ - ترجمه رساله پدرش در تحقیق آن چه حق است در مسئله علم

۲۹ - ترجمه رساله پدر خود در تحقیق قوله، علیه السلام: عرفت الله بفسخ العزائم و حلّ العقود

۳۰ - تواریخ السلاطین. ضمیمه ی تذکره الشعرا و غیره چاپ شده است، لکنه، ۱۲۹۳ قمری/ ۱۸۷۶م، سنگی (نک: فهرست کتاب های چاپی فارسی ۱/۱۴۳۹).

۳۱ - جام جم. در بیان موالید و کائنات جو. نسخه ای از آن در اختیار مرحوم آیت الله شیخ علی اکبر نهاوندی بوده است. (نک: ذریعه / ۱۲۳).

۳۲ - الجمع بین الحکمة و الشریعة و دفع شبهة التخالف کما وهمه الغانم.

۳۳ - جرّ ائفال و آنچه مناسب آن است (نک: ذریعه ۵/۹۴؛ کشف الظنون - علم

- جرالاثقال - فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۱ / ۱۵۸)
- ۳۴ - الحیات و الممات، در ترغیب بر عمل و ذم بی عمل
- ۳۵ - تاریخ ادبی ایران (از صفویه تا عصر حاضر)، ادوارد براون، ص ۲۵۲
- ۳۶ - حمله های ایران به هند (یا: واقعات ایران و هند) (نسخه ی خطی این کتاب در ایندیا افیس موجود است)
- ۳۷ - خواص مجربه
- ۳۸ - دعوة الاسماء و الاذکار
- ۳۹ - دستور العقلاء در آداب ملوک وامراء. در سال هـ. ق در دهلی نوشته است.
- ۴۰ - دیوان شعراء [۱۵] (۵ دیوان) [۱۶]
- ۴۱ - ریاض الحکمه
- ۴۲ - رساله ی تزکیه ی نفس بنا بر قول ارسطو و افلاطون الهی
- ۴۳ - رساله در اعمالی که شب به جا آورده می شود.
- ۴۴ - رساله ی حسن و قبح عقلی
- ۴۵ - رساله ی حصر ضروریات دین
- ۴۶ - رساله ی در امامت و بحث از شرایط آن
- ۴۷ - رساله در نوافل یومیه
- ۴۸ - رساله در جواب سؤالی که از قسطنطنیه رسیده بود.
- ۴۹ - رساله در جواب مسائلی که از خراسان دریافت شده بود.
- ۵۰ - رساله در دلالت فعل مضارع مثبت و ذکر اقوال، و نصرت قول ابوحنیفان در مشترک

بودن آن بین حال و استقبال

- ۵۱ - رساله در جواب مسائلی که از گیلان رسیده بود.
- ۵۲ - رساله در جواب مسئله ی وضو. شاید رساله ی وجوب مسح رجلین باشد که در مرآت الاحوال ۴۲۲/۱ معرفی شده است.
- ۵۳ - رساله در جواب سؤال از رابعه متناسبه
- ۵۴ - رساله در تدوین بعضی از آن چه برای اصحاب نوشته است.
- ۵۵ - رساله تجدد امثال
- ۵۶ - رساله در اصول اخلاق
- ۵۷ - رساله در فرق بین علم و معرفت
- ۵۸ - رساله در بیان قوه قدسیه و امکان نفوس قدسیه در نوع انسانی بنابر قول مشائیان، و تجویز کشف و الهام بر رأی اشراقیان صوفیه
- ۵۹ - رساله در تحقیق صلاة جمعه
- ۶۰ - رساله در تحقیق بعضی از مسائلی که اختلاف درباره ی آن ها میان امت محمد، صلی الله علیه وآله مشهور است.
- ۶۱ - رساله بحث با شیخ سهروردی در رؤیت
- ۶۲ - رساله در بیان خوارق عادت و معجزات و کرامات
- ۶۳ - الرد علی النصارى فى القول بالاقانیم
- ۶۴ - رساله ی حل بعضی از اشعار خاقانی
- ۶۵ - رساله ی اقسام مصدقین به سعادت اخرویه

- ۶۶ - رساله گُر و احکام آب ها
- ۶۷ - رساله ی سیره المتعلمین
- ۶۸ - رساله ی کسوف و خسوف
- ۶۹ - رساله ی مناسک حج. در اثنای سفر حجاز آن را نوشته است.
- ۷۰ - رساله در ذکر احوال فاضل عارف افضل الدین محمد کاشانی، رحمه الله، و بعضی از مکاتیب و فوائد مختصر آن
- ۷۱ - رساله ی تضعیف شطرنج
- ۷۲ - کتاب زکات
- ۷۳ - سفینه علی حزین. در ذکر ۱۰۷ شاعر متاخر در ۱۰۲ ص در حیدرآباد دکن به سال ۱۳۴۸ ق چاپ سنگی شده است.
- ۷۴ - سبب الاختلاف فی الاخبار و بیان طریق جمعها
- ۷۵ - شرح مطلع الانوار در هیئت
- ۷۶ - شرح قصیده جیمیه فارضیه
- ۷۷ - شرح مصباح الشریعه
- ۷۸ - شرح دعای عرفه ی امام حسین، علیه السلام
- ۷۹ - شرح رساله ی پدر علامه حلی، رضی الله عنه، در تحقیق حرکت
- ۸۰ - شرح بیت فارسی انوری. نسخه ای از آن در کتابخانه ی سید حسن صدر در کاظمیه وجود دارد. ذریعه، ج ۱۲۸/۳
- ۸۱ - شرح رساله ی پدر خود در عمل مسبع و متسع در دائره ی آب ج.

- ۸۲ - شرح رساله دیگری از پدر خود در قول ارسطو که چرا آب باران سبک است؟
- ۸۳ - شرح رساله ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی در تحقیق نفس
- ۸۴ - الصيد و الذبائح و خواص الحيوان. ان شاء الله در آینده با تحقیق این جانب منتشر خواهد شد. و نیز نک: ذریعه، ۲۲۷/۱۱
- ۸۵ - علاجات غریبه
- ۸۶ - فرسنامه. نسخه ای از آن در دانشگاه تهران موجود است. شامل دو بخش است: بخش اول، نظم و نثر و بخش دوم، تنها نظم است.
- ۸۷ - فوائد استماع صوت حسن. نسخه آن در کتابخانه ی ملک وجود دارد و بنا است در مجموعه ی میراث فقهی جلد اول منتشر شود.
- ۸۸ - فوائد الطب (یا: فراید طبیعیه)
- ۸۹ - فلذة الأکباد. حاصل رساله ابوعبدالله معصومی، بزرگ ترین شاگرد ابن سینا، در عشق، بازیدت ها و افادات شریفه
- ۹۰ - فضائل القرآن
- ۹۱ - فضل عراق
- ۹۲ - فرق بین لمس و مس و آن چه متعلق به آن و متفرع بر آن است.
- ۹۳ - قضا و قدر
- ۹۴ - کتاب فی تحقیق الرؤیا و اصول علم التعبير
- ۹۵ - کتاب معرفه الاجسام و تناهیها
- ۹۶ - المواهب فی لیلۃ الرغائب در بیان کلام فروریوس. این کتاب را یک شبه نوشته است.

- ٩٧ - معرفت قبله
- ٩٨ - المفصل در خبر عقل و توكل
- ٩٩ - مواعد الاسحار
- ١٠٠ - مكيال العلوم
- ١٠١ - مواعظ الحكماء
- ١٠٢ - معادن
- ١٠٣ - معرفت تقويم و احكام نجوم
- ١٠٤ - مناظرات و محاضرات
- ١٠٥ - الموائد السماويه
- ١٠٦ - مواريث
- ١٠٧ - معرفت لئالى
- ١٠٨ - مصابيح الظلام فى إرادة الكلام.(من آراء اهل الكلام)
- ١٠٩ - المعيار فى الاوزان الشرعيه.
- ١١٠ - مختصر الدعوات و الزيارات
- ١١١ - معرفة البارى و مايتعلق به
- ١١٢ - مبحث القدم و الحدوث
- ١١٣ - معرفة النفس و تجردها
- ١١٤ - كتاب مقالات بعض المشايخ

۱۱۵ - مدّة العمر. در اوقات تحصیل، هر مسئله ی مشکل را که حل کرده، در آن ضبط کرده است. [۱۷]

۱۱۶ - النفس التالیفیة

۱۱۷ - نامه ای از شیخ علی حزین لاهیجی در شرح بیته از حکیم خاقانی

خواننده با مطالعه این آثار، خود را با دانشمندی متقن و با مورخ بلند پایه و بصیری مواجه می بیند که اقوال او مورد استناد مورخان بعدی بوده است و نهایت بی طرفی و انصاف را در تاریخ خود رعایت کرده و با این که در سال ۱۱۴۶ قمری به قول آن نویسنده ی معروف «با این که حزین مثل آهوی گریزان از پلنگ، از ترس نادر آواره شهرها و بیانانها بود و به هند رفت و از زندگی در هند در شکنجه بود و می گفت: بدایت ورود مرا به این کشور نهایت زندگانی تصور نمایید، [۱۸] در نوشته های تاریخی خود آن جا که صحبت از نادر به میان آورده، حتی المقدور جانب انصاف را نگاه داشته، کارهای خوب او را نیز بر شمرده است. این، از شخصی مثل حزین که خود و پدراناش در دستگاه صفویه از احترام ویژه ای برخوردار بودند، بعید نیست؛ زیرا، علاوه بر دانش بسیار حزین، نسب او با شانزده واسطه [۱۹] به عارف بزرگ قرن هفتم شیخ ابراهیم زاهد گیلانی [۲۰] می رسد که مرشد و مقتدای شیخ صفی الدین اردبیلی پیر و پدر صفویه بوده است. نادرشاه کسی است که طومار حکومت صفویان را درهم پیچیده و حزین از دست نادرشاه به هندوستان پناهنده گشته و در کمال ناراحتی باقی عمر خود را دور از وطن در شهر غریبان سپری می کرده است. لذا طبیعی است که با نادر میانه خوبی نداشته و از پیشرفت های او راضی نبوده است و حتی در قیام های برضد او شرکت داشته، اما انصاف را نادیده نگرفته و به اثر گران بهای خود ارزش و اعتبار بیش تری بخشیده است.

بر کرسی تدریس

حزین پس از محرم سال ۱۱۳۵ در خرم آباد دو سال اقامت گزید و به تدریس شرح

اشارات و اصول کافی و تفسیر بیضاوی اشتغال داشت.

در شهر ساری، الهیات شفا و شرح تجرید و اصول کافی و کتاب من لایحضره الفقیه را برای جمعی از دانش پژوهان و طالبان علم آن سامان تدریس کرد.

صفات و خصوصیات

حزین، رحمه الله، گذشته از علم و اطلاعات وسیع و کثرت دست آوردهایش، مظهر اوصاف و کمالات اسلامی بوده است. یکی از خصائص حزین، همت بلند و استغناى طبع او است. وی با این که در هند غریب است و همواره مورد ارادت و دلجویی سلاطین و امرای هند بوده، اما عزلت و انزوا گزیده و همواره خود را از ایشان بر کنار داشته و حاضر نشده با فقر و تنگدستی از آنان کمک بگیرد و قناعت را پیشه خود ساخته و آزاد زندگی کرده است. [۲۱]

خصلت دیگر او در وفاداری او است. بر اساس ارادتی که به خاندان صفوی دارد با نادرشاه افشار دشمنی می ورزد و به قول صاحب تحفة العالم «هنگام استیلای افغانه به آن دیار (ایران) و تسلط پادشاه قهار نادرشاه افشار و غضب سلطنت از آن خاندان معدلت شعار، به پاس نمک آن دودمان علیه و از فرط علو همت و غیرت و اطلاع بر حقوق سلاطین صفویه به سلاطین بابریه... به قصد استمداد از محمد شاه وارد هندوستان شدم». [۲۲]

شجاعت وی نیز از موضع گیری های گوناگونی که در مقابل شاه صفوی و دست نشانندگان نادر دارد، معلوم می شود. خود او می گوید، بارها شاه صفوی را اندرز داده و نصیحت کرده و از سرانجام کار او را بر حذر داشته، اما گفتارش در وی تأثیر نبخشیده است.

حضور فعال او در حوادث خونینی که در عصر او روی داده و فراخوانی مردم به مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان یا ستم پیشگان خودی، بیانگر دلیری و تهمتنی او است. می نویسند «وقتی که مردم لار به سرکردگی میرزا ابراهیم کلانتر در برابر محمدخان

نماینده ی نادرشاه قیام کرده و او را کشتند، به خانه حزین آمدند و این نشان می دهد که وی در این حوادث نقشی داشته است، و هنگام که نماینده ی دیگر نادرشاه بدانجا آمد حزین مردم را در برابر وی وادار به مقاومت کرد و در کشتاری که روی داد عده ای از میان رفتند. بعضی گناه این جنگ را به گردن حزین می دانند.» [۲۳]

حزین از حافظه ای نیرومند برخوردار بوده است. حزین برای اساتید و بزرگان احترام خاص قائل بوده است. علاقه و اخلاص خاصی به اهل بیت، علیهم السلام، داشته تا جایی که قصد عزیمت و سکونت در نجف را کرده، اما باد حادثات او را از آن ولایت دور ساخته است. ایشان با داشتن صفات متعدد به خط زیبا موصوف و معروف بود. خود او درباره ی حالات روحی خود می گوید:

رغبتی موفوره به طاعات و عبادات بود. لذتی عجیب از آن می یافتم و ایام حج و اوقات متبرکه را معروف به احیا و مواظبت به اذکار و دعوات مأثوره می نمودم و بسیاری از نوافل و سنن عملیه، ضایع نشد، و دل را طرفه دقت و صفائی و سینه را انشراح بود. و ذکر آن احوال چنان که بود، نتوانم کرد. آن چه گفتم از مقوله ی «ذکر النعیم من بضائع المسکین» است. [۲۴]

دانشمندی کوشا و نستوه و پرکار

از فهرست آثار فراوان و متنوع این دانشمند جامع و ذو فنون می توان دریافت که او نویسنده ای سخت کوش بوده و بیش تر اوقات خود را به نگارش و تالیف و سرودن شعر و مشق خط اشتغال داشته است.

حتی آن گاه که بار سفرهای دراز بر بسته، از این مهم غافل نبوده و هر جا محققى یافته با او به گفت و گو نشست و از محضر او استفاده کرده است و گاه خود در این شهرها حوزه ی درسی دائر کرده است.

اوائلی که با پدر به سفر می رفت، به دلیل داشتن این خصوصیت، کتاب هایی با خود می برد و در طول سفر نزد پدر به آموختن دانش های گوناگون مشغول بوده است.

وی برای فراگیری بیش تر گاه با دانشمندان غیرمسلمان نیز گفت و گوهایی داشته است. و در یزد با عالمی زردشتی به نام رستم - که کتب مجوسی و حکمی فراوانی در اختیار داشته - آشنا می شود و با وی در زمینه ی نجوم به بحث و گفتگو می پردازد و برای آگاهی دقیق از مبانی عقیدتی ادیان با دانشمندان آن ها رابطه برقرار می کند.

سفرهای بسیار و مشاهده ی اطراف و اکناف ایران و هند و عراق و حجاز و ملاقات با شخصیت های اجتماعی و علمی و سیاسی مناطق مختلف و روابط نزدیک و دوستانه او با شاهان صفوی و دیدن نقاط قوت و ضعف ها، صراحت لهجه، زبان صدق گوینا، قلم بیان شیوا و رسا و در اختیار داشتن کتابخانه غنی و بهره گیری از همه ی آن ها در آثار خود، شخصیتی ممتاز به حزین بخشیده و وی را در شمار دانشمندان روشن اندیش و ژرف نگر قرار داده است. رهبر فرزانه ی انقلاب آیت الله خامنه ای به مناسبتی فرمودند: «در زمینه ی شناساندن حزین لاهیجی، این مرد بزرگ هر قدر کار شود، ارزش دارد.»

حزین در نگاه تذکره نویسان و تراجم نگاران

علی ابراهیم خلیل خان بنارسی می نویسد:

«حزین تخلص اسم سامی آن نقاوه علمای اعلام، و اصدق اذکیای عالی مقام شیخ محمد علی جیلانی است....»

خامه کومه زبان را چه یارا که به شرح برخی از فضائل نامتناهی او تواند پرداخت، و زبان بیان را چه مجال که از رفعت ستایی عرش کمال او سخنی کرسی نشین تواند ساخت. بسی وسایل جلیله در هر فن از مآثر ذهن وقاد و طبع نقادش بر صفحه ی روزگار به یادگار و دیوان رفیع بنیان او که بحری است لبالب از لئالی آبدار، کحل الجواهر بصایر فصحای بلاغت شعار است، صاحب نظران دانند که کلامش به غایت درد و سوز نمک سای داغ سینه ریشان و شوربخش دماغ دردکیشان است. [۲۵]

عالم شهیر، فقیه اصولی، ریاضیدان، فیلسوف و عارف و شاعر آقا احمد بن محمدعلی بهبهانی (م ۱۲۴۲) در مرآت الاحوال جهان نما، ج ۱، ص ۴۶۲ به شرح ایشان اشاره

کرده است. می نویسد:

«از تذکره ی [۲۶] آن مرحوم که در مجمل از احوال خود نوشته است معلوم می شود که به مرتبه عالیّه اجتهاد رسیده، و به شرف اجازه ی جمعی از علمای اعلام مشرف شده.»

مراتب فضیلت و علمش، و نهایت فصاحت و بلاغت و متانت و حلاوت کلامش از مطالعه ی آن ها [آثار قلمی او] بر هنرمندان و علمای بی مرض و فضلی خالی از غرض ظاهر و هویدا می گردد.

و در دار الایمان ایران روزگاری را به عزت و حرمت و احتشام گذرانید و در خدمت شاه سلطان حسین، و شاه طهماسب به جلالت قدر ممتاز، و چون قره باصره با اعزاز بود.

در ایام تسلط افغانه به آن کشور، و سلطنت نادرشاه افشار، و ویران شدن خاندان معدلت شعار، از فرط علو همت و پاس حقوق آن دولت، و اطلاع بر حقوق صفویه بر سلاطین بایریه و عدم اطلاع بر رسوم و عادات مردم هندوستان به قصد استمداد از محمدشاه وارد این کشور گردید. چون شاه جهان آباد رسید واز اوضاع و اطوار پادشاه و گرفتاری وی به دست امرا مطلع شد، به غایت پشیمان و نادم شد. ولکن از سطوت نادرشاه قدرت بر معاودت نداشت...»

علیقلیخان واله داغستانی (۱۱۲۴ - ۱۱۶۵ هجری) شاعر معروف درباره او می نویسد. حضرت شیخ در بعضی علوم مهارت تام دارد و خطوط را شیرین می نویسد. در حسن تقریر و صفای تحریر یگانه عصر و در سخنوری افسانه دهر است.

الحق امروز به زحمت می شود سخندانی مثل او پیدا نمود، وی پایه ی سخن را به جایی رسانیده که شهباز اندیشه در تصور رفعتش پر می ریزد، و جامع انواع طرز سخن و حاوی اقسام روشن این فن در عهد خود، او است. [۲۷]

ملا محمدعلی کشمیری در نجوم السماء می گوید: «از فضلی باوقار و نوادر روزگار

بود». [۲۸]

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در مصفی المقال... دانشمند متبحر ماهر، جامع در فنون علم و مصنف در کلیه ی فنون علمی، صاحب تصانیف فراوان... [۲۹]

میر عبداللطیف شوشتری (م ۱۲۲۰) در تحفه العالم در یک جا که از سفر خود به بنارس یاد کرده، می نویسد:

«در آن شهر بود مقبره و بارگاه شیخ اجل عارف ربّانی، شیخ محمد علی جیلانی متخلص به «حزین»، حشره الله مع الشهداء و الصدیقین. وی از احفاد قدوة العارفین، تاج الدین ابراهیم زاهد جیلانی است، مرشد شاه صفی الدین جدّ اعلاّی سلاطین صفویه، انارالله برهانهم، و هو کالشمس فی رابعة النهار، از غایت اشتها بی نیاز از اظهار است و احوال افاضل و مقدسین این سلسله ی جلیل که بعد از قدوة العارفین در معرض آرای مسند فضیلت و تقدس (شیخ زاهد) بوده اند، چون شیخ جمال الدین معاصر شیخ اجل بهائی، علیه الرحمه، شیخ عطاء الله و دیگران، بر ارباب بصائر پوشیده نیست. و شیخ مقدس سلاله ی آن خاندان و شعله افروز آن دودمان بود،...

از خورشید جهان تاب فضایل او ذره ای باز نتوان، و در وادی منقبتش مرحله ای نشاید پیمود. مقتدای انام و مرجع خواص و عوام در جمیع علوم اولین و آخرین و ارتقای نفس به اعلا مدارج صدیقین، امام همام و مقتدای عالی مقام بود.

عنایت ازلی و مرحمت لم یزلی، ذات مقدسش را در عالم ابداع دست پرورد فیض جمیل و قابل استفاضه علوم جزیل ساخته و پرداخته، طبع مهر آسایش در ذره پروری مستعدان، خورشید اشتها و مس قدر جرگه مستفیدان و سخنوران از اکسیر تربیتش طلای دست افشار بود.

سنین و ایام، شهور و اعوام، منقضی شده که چون او فاضلی سخنگو به عرصه وجود نیامده و کلام وحی نظامش در فصاحت و بلاغت و متانت و حلاوت، عربیاً او فارسیاً، نظماً و نثراً به منتهی المرام و اقصى المقام ارتقا نموده، چنان که این مراتب از رساله

ی کنه المرام، در بیان قضا و قدر و خلق اعمال، و کتاب موسوم به مدۀ العمر که در اوقات تحصیل و ایام مطالعه سال های دراز هرگاه به یکی از مسائل مشکله غامضه ظفر می یافت در آن می نگاشت، تألیف نموده، و کم تر فاضلی را چنین تألیفی میسر آمده باشد، واضح می گردد، و از جمیع فنون علمی کما بیش در آن هست، و لایق به ذخیره ی خزینه ی سلاطین قدرشناس است. و...

جلالت قدر آن زنده ی جاوید، بر هنرمندان و علمای عالی شأن و جمیع صاحب نظران ظاهر و هویدا است. و الحق عبارات معجز آیاتش به درجه ی علیا و ذروه ی قصوا رسیده، و نی کلک طوبی مثالش نیل خجالت بر چهره اکثری از بلغا کشیده است. [۳۰]

محمد قدرت الله گوپا موی هندی در نتایج الافکار [۳۱].... در مراتب شعری، شاعر گران مایه و ناظم بلند پایه بوده که از طبع سلیم و فکر مستقیم گوی سبقت از معاصرین ربوده، اشعار آبدارش تشنگان بوادی سخن را به زلال خوشگوار معانی سیراب گردانید و کلام با نظامش شایقان این فن را به فصاحت و بلاغت در نظم پردازی رهنمون گردید. نظم بی نظیرش از تکلف مبرا و ابیات دلپذیرش از تصنع معرا، الحق داد سخنوری داده، و ابواب نظم گستری گشاده....

میرغلامعلی آزاد بلگرامی او را جامع علوم عقلی و نقلی می داند که در نظم و نثر رتبه بلند دارد. [۳۲]

مدرس تبریزی او را از اکابر متأخران علمای شیعه دانسته است. [۳۳] ملک الشعراى بهار، نثر حزین را از حیث سلاست و پختگی ستوده است. [۳۴]

علی دوانی درباره ی او می نویسد: از علمای بزرگ معقول و منقول و مردی ادیب و نویسنده ای چیره دست به فارسی و عربی شاعری برازنده است که باید او را فقیه و فیلسوف و طبیب و متکلم و عالمی ذوفنون دانست. [۳۵]

دبیر کنگره ی علامه ذوفنون محمدعلی حزین لاهیجی، استاد زین العابدین قربانی می گوید: نابغه ای ذوفنون: فقیهی عالی قدر، اصولی، مدقق، فیلسوفی متأله، متکلمی

آگاه، عارفی واصل، متبحر در ریاضیات و نجوم، رجالی خبیر، محدثی مجتهد، مفسری بصیر، ادیبی هنرمند، شاعری توانا....

همینسان دیگر تذکره نویسان و تراجم نگاران او را ستوده اند و از آراستگی او به صفات کریمه اخلاقی سخن گفته اند.

نمونه اشعار حزین

مقام علمی حزین که علاوه بر علوم رسمی - که در بیش تر آن ها کتاب و رساله دارد - فراتر از پایگاه شاعری او است. شاعری این گونه محققان، تنها یک کشش ذوقی و روحی بوده است که در آنان انگیزه پدید آوردن چنین اشعاری شده است.

هجرت ز حرم عقوبتم داد به هند از هند جگر خوار کنم یاد به هند
عصیان به ره جحیم می برد مرا از طالع بد غلط شد، افتاد به هند

افکند فلک چو دورم از روضه طوس آن غیرت حور
نگذاشت مرا فیض الهی مایوس چون دیده ز نور
از طوف حرم طرف سعادت بستم اما ز قضا
امروز به سومنات هندم افسوس چون زنده به گور

زد نقش سخن سکه جاوید به نامم از صفحه دلها نشود محو کلامم
روشن نفسم، فکر شب تار ندارم آئینه صبحم، غم زنگار ندارم
از دولت عشق تو زیانم همه سود است با سود و زیان دو جهان کار ندارم
می کرد کاش چاره چین جبین تو موحی که می زند عرق انفعال من
حزین می و افیون را تحقیر می کرد و می گفت:

عشق و عقل آن که ندارد می و افیونش ده
هر دو پا لنگ چو باشد دو عصا می باید

درگذشت

سرانجام، در شب ۱۱ جمادی الاول سال ۱۱۸۰ [۳۶] حزین لاهیجی در کشور هند درگذشت. انا لله و انا الیه راجعون. پیکر پاک این دانشمند در باغی به خاک سپرده شد، بر سنگ قبر او این عبارات و اشعار منقوش است:

نخستین سطر: «یا الله»

سطر دوم: «یا محسن قد اتاک المسیء»

سطر سوم و چهارم و پنجم: «العبد الراجی الی رحمۃ ربّه محمد المدعو بعلی ابن ابی طالب الجیلانی!» در طول سنگ در حاشیه، این دو بیت که سروده خود او است، مقابل هم نثر شده:

زبان دان محبت بوده ام، دیگر نمی دانم

همین دانم که گوش از دوست پیغامی شنید این جا

حزین از پای ره پیما بسی سرگشتگی دیدم

سر شوریده بر بالین آسایش رسید این جا [۳۷]

صاحب تحفه العالم می نویسد: [۳۸] «هر دوشنبه و پنج شنبه بر مقبره او از زوّار ازدهام و انبوهی است» [۳۹]

پاورقی

- [۱]. نامش چنان که خود نوشته و معاصرانش نیز بدان اشارت کرده اند محمد است و به نام علی نیز خوانده می شود اما در تذکره ها به صورت ترکیب این دو نام مشاهده می شود تخلص «حزین» را استادش خلیل طالقانی به او داد. مجمع مهرش علی ابن ابی طالب بوده است.
- [۲]. تاریخ حزین، ص ۶.
- [۳]. برای آگاهی بیش تر نک: پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان؛ ص ۵۸۶، مشاهیر گیلان، ص ۵۰؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۷؛ الکنی و الألقاب، ج ۱، ص ۱۰۳؛ ریحانه الادب، ج ۷، ص ۱۶۶؛ دیوان حزین، ص ۶۰۴، ۵ مقدمه
- [۴]. نک: ریاض السیاحه، ص ۸۱۷.
- [۵]. در اعیان الشیعه سال ۱۱۱۳ هجری قمری ذکر شده که ناصواب است.
- [۶]. تاریخ حزین، ۱۱۲.
- [۷]. خزانه عامره، ص ۲۰۰.
- [۸]. تذکره حزین، ۲۴.
- [۹]. تذکره حزین، ۱۳. تذکره حزین ۱۹، کاروان هند ج ۲، ص ۸۵۴.
- [۱۰]. تذکره حزین، ۲۷.
- [۱۱]. مرآت الاحوال جهان نما، ج ۱، ص ۴۶۰.
- [۱۲]. تذکره حزین، ص ۲۱.
- [۱۳]. تاریخ حزین، ص ۲۹.
- [۱۴]. تاریخ حزین، ص ۶۳، ۶۵.
- [۱۵]. مصحح دیوان او استاد ذبیح الله صاحبکار در مقدمه دیوان می نویسد: تردیدی نیست که همانا حزین بزرگترین سخنور روزگار خویش در دوره بازگشت ادبی است. او دبیر سبک اصفهانی (هندی) و از بزرگان این مکتب در عهد انقراض دولت صفوی است. دیوان، ص ۲۸.
- [۱۶]. نک: تاریخ حزین صفحات ۳۱، ۵۰، ۷۹.
- [۱۷]. نک مرآت الاحوال، ج ۱، ص ۴۶۲.
- [۱۸]. تاریخ حزین، ص ۱۱۲، ۱۱۳.
- [۱۹]. خود او در تاریخ حزین از یک یک نیای خود نام برده است. نک: تاریخ حزین، ج ۳.
- [۲۰]. درباره او نک: طرائق الحقائق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ریاض السیاحه، ص ۸۱۷.
- [۲۱]. نک: تاریخ حزین، ص ۵۰.
- [۲۲]. تحفه العالم، ص ۳۴۱.
- [۲۳]. روضه الشعراء، واله دغستانی: نسخه خطی
- [۲۴]. تاریخ حزین، ص ۱۲.
- [۲۵]. تذکره خلاصه الکرام، ص ۳۸۶.
- [۲۶]. نباید تذکره و تاریخ را یکی دانست.

- [۲۷]. تذکره ریاض الشعراء، نسخه خطی کتابخانه ملی: ج چهارم، ص ۲۴ ب، ۱۵۳۱.
- [۲۸]. نجوم السماء، ص ۲۴۷.
- [۲۹]. مصفی المقال، ص ۳۱۴.
- [۳۰]. تحفه العالم، چاپ حروفی سال ۱۳۶۳، ص ۴۱۳.
- [۳۱]. چاپ بمبئی، ص ۱۱۸.
- [۳۲]. سرو آزاد، ۲۵۵، ۵۲۶.
- [۳۳]. ریحانه الادب، ج ۱، ص ۳۲۶.
- [۳۴]. سبک شناسی، ج ۳، ص ۳۱۰.
- [۳۵]. مفاخرالاسلام، ج ۷، ص ۲۰۷.
- [۳۶]. خزانه عامره، ص ۲۰۰؛ خلاصه الکلام؛ مرآت الاحوال، گفتنی است که تاریخ وفات این دانشمند را متفاوت ثبت کرده اند. برخی ۱۱۸۱ نوشته اند. (نک: اعیان الشیعه چاپ جدید، ج ۱۰، ص ۱۷ و سفینه هندی، ص ۵۱، ۱۱۸۷ ثبت کرده است.
- [۳۷]. گویند این قطعه را حزین در حالت نزع انشاء کرده است. ببینید: تحفه العالم، ص ۳۴۲.
- [۳۸]. تحفه العالم، ص ۳۴۲.
- [۳۹]. شرح حال و سوانح عمر و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی سیاسی حزین در منابع بسیاری آمده است. از جمله: آتشکده آذر، ۳۷۷؛ تاریخ ادبیات براون، ج ۴، ص ۲۰۴؛ تاریخ ادبیات هرمان اته، ص ۱۹۶؛ اعیان الشیعه، طبع جدید، ج ۱۰، ص ۱۷؛ تذکره اختر، ج ۱، ص ۶۰؛ طرایق الحقایق، ج ۳، ص ۲۴۷؛ مجمع الفصحاء، ج ۴، ۲۱۰؛ ریاض العارفین، ص ۹۹؛ قاموس الاعلام، ج ۳، ص ۱۹۳۸؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۳۲۵؛ سبک شناسی ملک الشعراء بهار، ج ۳، ص ۳۰۴؛ فرهنگ شاعران زبان پارسی، ص ۱۶۶؛ چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی، ص ۲۹۸؛ گیلان در قلمرو شعر و ادب، ص ۱۰۶؛ گیلان در گذرگاه زمان، ص ۳۳۲؛ تاریخ علماء و شعراء گیلان، ص ۶۸؛ مشاهیر گیلان، ج ۲، ص ۸۳؛ تاریخ رجال مذهبی گیلان، (گیلان شناسی)، ص ۳۲۹؛ لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۷۸۳۱؛ دین و سیاست در دوره صفویه، ص ۳۱۲؛ سفینه محمود، ج ۱، ص ۲۰۴؛ مقدمه دیوان حزین لاهیجی، دوپست سخنور، ص ۷۶؛ حریم سایه های سبز؛ مجموعه مقالات ۲۸۲، ۲۸۵؛ حزین لاهیجی زندگی و زیباترین غزل‌های او، م سرشک (شفیعی کدکنی)؛ نقد ادبی دکتر زرین کوب؛ کاروان هند، ج ۲، ص ۹۶۹؛ تاریخ تذکره های فارسی، ۱: ۳۴۹، ۳۵۹؛ مفاخر اسلام، ج ۷، از ص ۲۰۵ به بعد، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین؛ الاعلام، ج ۷، ص ۱۸۹؛ فرهنگ سخنوران، ص ۱۵۵؛ ارمغان دوره نهم، ش ۷، ص ۴۱۷، ۴۲۹ و شماره ۸ و ۹ ش ۵۱۳، ۵۲۷ به سال ۱۳۰۷ شمسی؛ الذریعه، ج ۳، ص ۳۵۶، ج ۹، ص ۲۳۵، ج ۲۱، ص ۱۹۰ و مجلدات دیگر؛ رجال بامداد، ج ۳، ص ۴۲۹؛ فهرست مشترک نسخه های خطی، ج ۴، ص ۲۶۷۹، ج ۸، ص ۱۱۲۵؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۱۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۵۵۲؛ کتاب گیلان، ج ۲، ص ۶۳۶؛ کتابشناسی حزین لاهیجی به کوشش خانم سالک، الفتح المبین فی ترجمه محمد علی حزین، از علی اکبر نهبانندی، نامها و نامدارهای گیلان، ص ۱۳۲؛ تذکره المعاصرین، پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن، اثر آفرینان، ج ۲، ص ۲۷۰؛ شاعری در هجوم منتقدان شخصیت‌های نامی، ص ۱۵۹، ۱۶۰، فرهنگ ادبیات فارسی، ۱۸۰، ۱۸۱؛ سیری در شعر فارسی، ص ۱۴۸، ۱۵۰، سرآمدان فرهنگ، ج ۱، ص ۳۰۱؛ دایره المعارف فارسی، ج ۱، ص ۸۴۳.